

چگونه می توان پایه های حکومت را فرو ریخت؟

مبارزه متحد و سازمان یافته می تواند به فرو ریزی پایه های حاکمیت بیانجامد.

در تحمیل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به رژیم ضد خلقی ج.ا. طیف نیروهای مترقی و انقلابی نقش بسیار چشمگیری داشتند. بی دلیل نیست که رفسنجانی در سخنرانی خود به مناسبت انتشار پیام خمینی تلویحا از ناگزیر شدن رژیم در برابر فشار این نیروها در زمینه ضرورت پذیرش قطعنامه و آتش بس پرده برمی دارد و می گوید، این نیروها دیگر نمی توانند بگویند که "چرا سرسختی می کنید و به ندای صلح جواب نمی دهید".

بقیه در ص ۲

در جریان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و آتش بس، تا آنجا که مربوط به میهن ما می شود، بازنده اصلی رژیم و برندگان اصلی مردم بودند. در پیامی که اخیرا از خمینی منتشر گردیده است، قبول قطعنامه "مسئله ای بسیار تلخ و ناگوار" برای شخص او تلقی شده است. در پیام تاکید می شود: "پدابه حال من که هنوز مانده ام و جام زهر آلود قطعنامه را سرکشیده ام". در این سخنان ملو از نومییدی، تلخی شکست، آنهم شکستی سخت و مفتضحانه، احساس می شود. بی تردید ضربه ای بس سخت و شکننده بر پایه های حاکمیت "ولایت فقیه" وارد آمده است. این ضربه در صورت فراهم بودن شرایط



شماره ۲۲۰ دوره هشتم
سال پنجم - شنبه ۱۳۶۷/۵/۲۵
بهنا ۲۰ ریال

در باره صلح پایدار و همه جانبه

است. ولی، اینکه رژیم "ولایت فقیه" و "مقام معظم رهبری" خواهان صلح پایدار و همه جانبه در منطقه هستند، جای دنیایی حرف و نابآوری و سؤال است. به باور ما تنها رژیمی می تواند حامل و مجری سیاست "صلح پایدار و همه جانبه" باشد که در عرصه سیاست خارجی و داخلی از اصول و موازین بقیه در ص ۲

روز ۲۹ مرداد از سوی دبیر کل سازمان ملل متحد به عنوان تاریخ رسمی آتش بس کامل در جبهه های جنگ ایران و عراق اعلام گردید. تعیین موعد آتش بس و اعلام آمادگی دو طرف در زمینه پذیرش آن چشم انداز تازه و امیدبخشی را بوجود آورده است. بدینسان اگر آتش سلاهای طرفین درگیر خاموش گردد، آرامش در جبهه ها برقرار شود و اقدامات تحریک آمیز و ماجراجویانه تازه ای صورت نگیرد، راه تحقق خواست مردم ایران و عراق یعنی صلح هموار خواهد شد.

در این رهگذر، رفسنجانی، جانشین فرمانده کل قوا در پیام خود خطاب به نیروهای مسلح حاضر در جبهه ها، ضمن اعلام پذیرش و فرمان اجرای آتش بس، از جمله می گوید "جمهوری اسلامی با توجه به همه شرایط و جوانب و با الهام از نظرات برکت زای مقام معظم رهبری، تصمیم به ایجاد صلح پایدار و همه جانبه در منطقه دارد و به راه خود ادامه می دهد" (صدای ج.ا. ۱۸۰۱ مرداد ۶۷).

حال این پرسش ها در پیش روی مردم ایران قرار می گیرد: آیا براساس رژیم "با الهام از نظرات برکت زای مقام معظم رهبری" که تا هفته هایی پیش با استخوان انسانها بر طبل "جنگ، جنگ تا پیروزی" می کوبید و صدها هزار تن را قربانی این سیاست نابخردانه خود کرد، واقعا خواهان "صلح پایدار و همه جانبه در منطقه" است؟ و دیگر اینکه مصالح "صلح پایدار و همه جانبه" کدام است؟

در پاسخ به این پرسش ها باید گفت که در حال حاضر برخاسته از علل و عوامل کاملا عینی، همانند ناراضی بودن توده های مردم از رژیم و مخالفت گسترده و آشکار با آن و همچنین بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی که براساس رژیم را در آستانه فروپاشی قرار داده است، حکام جمهوری اسلامی بناگزیر خواهان صلحند. زیرا رژیم بدون پایان دادن به جنگ دیگر نمی توانست حتی برای مدتی، آنهم مدتی نه چندان دراز، به حیات خود ادامه دهد. تأیید مکرر سرداران رژیم، از خمینی گرفته تا دیگران، بر این موضوع که پذیرش قطعنامه به هیچ وجه تاکتیکی نیست، دقیقا بیانگر این واقعیت

۵۵

۵۵ زندانی سیاسی به سلولهای مرگ منتقل شده اند. ۵۵ انسان مبارز، ۵۵ فرزند پاکباز خلق، ۵۵ بیکارگر پرشور راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح، ۵۵ دشمن ناشنای پذیر امپریالیسم و ارتجاع، ۵۵ انسان آگاه و اندیشمند در انتظار مرگ هستند. و دشمن خونریز و مترصد فرصت، تفنگ ها را خشاب گذاری و برای کشتار آماده می کند تا سینه ۵۵ مرغ دل به توفان سپرده را بشکافد.

و اینک دست یاری است که بسوی بشریت مترقی و صلح دوست، بسوی انسان دوستان و آزادی خواهان، بسوی همه وجدانهای بیدار و آگاه دراز می شود و بانگ همبستگی است که در زیر گنبد کبود آسمان ظنبن می اندازد. نباید اجازه داد قلب بهترین فرزندان مردم ایران که گناهی جز دفاع از آزادی و استقلال میهن و مبارزه علیه امپریالیسم و واپسگرایی ندارند، از تیش باز ایستند. باید این فرزندان رنج و رزم را از دخمه های شکنجه و مرگ نجات داد. باید به یکپارچه شور و عزم، یکپارچه آتش، یکپارچه فریاد و یکپارچه بی قراری و یکپارچویی تبدیل شد. باید دانه های روینده خشم و نفرت آگاهانه به رژیم رادرمزغ سینه و اندیشه انسانها کاشت. باید موج موج حرکت و همبستگی بوجود آورد. باید تیغ "زنگی مست" را کند کرد و اورا واداشت تا آثر ادرغلاف بنشانند.

کدام انسان با قلب و عاطفه ای می تواند از بر ابر منظره "تکان دهنده" آوردن طشت خون آلود و برپا کردن آتش برای سر بریدن پرند ای و کباب کردن آن بی اعتنا بگذرد. نیک نظر کنید! کشتار ۵۵ انسان، ۵۵ کیوتر صلح و ۵۵ مرغ آزادی تدارک دیده می شود. باید به هر دری کوبید، باید توفان برپا کرد و این بساط جهنمی مرگ را درهم ریخت. نباید اجازه داد بار دیگر دشمن با اعدام ۵۵ بیکارگر و آزادیخواه سرمایه معنوی بزرگی را از اردوی خلق به بیغبارد. نباید اجازه داد دست دشمن مردم برای دروی خوشه های خشم شعله ور خلق و کلهای آتش گلستان مبارزه توده ها، بحرکت در آید.

امروز همه انسانها شرافتمندی که به آزادی بقیه در ص ۶

درباران

— می باره بی سوار!
درباران
ردی ست مگر به جای عیاران؟
— عیاران؟!
ببین که از سرناجار
میبوت نشسته تکیه بر دیوار
کاوی پیله در چرای گند مزار.
— بر کنگره ای کمند نندازد؟
آن کیست که طرح نودر اندازد؟
□
— می باره بی سوار!
درباران
بسیار که بر شدند و بسیاران
مهمیز به کرده ات که خواهد زد
زین خیل پیمبران و هشیاران؟
□
— می باره بی سوار درباران

جلال سرفراز

در صفحات تند

در ص ۶
کارزار جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران
در ص ۴
مصاحبه مطبوعاتی محلاتی باروزنامه اسرائیلی

پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

چگونه می توان پایه های . .

در پیام خمینی از توضیح "حوادث و عواملی" که موجب تصمیم گیری اخیر رژیم شده، خودداری گردیده است. در پیام، قبول قطعنامه و آتش بس "با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور" اعلام گردیده است. رژیم می کوشد با ایجاد هاله ای از ابهام و پاشیدن تخم هراس در جامعه از پاسخگویی در برابر مردم، در زمینه "جنایتهایی که در سالهای اخیر برای پیشبرد سیاست نابخردانه و ضد مردمی "ادامه جنگ" مرتکب شده و زبانه های بیشمار اقتصادی و اجتماعی و بی آمد های دیگر جنگ سرباز زند، راه را بر تعرض مردم سد کند و در این راستا تدابیری برای جلوگیری از فرو ریزی پایه های حاکمیت خود بیندیشد. در این چارچوب، عدم حضور کاملاً فعال و همه جانبه نیروهای مترقی و انقلابی در جامعه، تشکیل نشدن جبهه ای، لااقل برای به ثمر رسیدن هدفهای عمده تاکتیکی که در دستور روز جنبش است، و نیز عملکردهای ماجراجویانه برخی از سازمانها به سیاست رژیم کمک می کند. بازتر کردن چتر اختناق در جامعه، تنها شامل نیروهای مترقی و انقلابی نمی شود، بلکه طیف وسیعی از نیروهای پیرامون حاکمیت و حتی مسئولان کشور را نیز دربر می گیرد. در پیام خمینی آمده است: "در مقطع کنونی بطور جدی از همه گویندگان و دست اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه ها و مطبوعات می خواهم که خود را از معرکه و معرکه آفرینی ها دور کنند و مواظب باشند که ناخود آگاه آلت دست افکار و اندیشه های تند نگردند و یاسعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند. در این روزها ممکن است بسیاری از افراد بخاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و پایدها و نیابدها کنند... اما کنون وقت پرداختن به آنها نیست". در پیام خمینی "ملت ایران" به "صبر و هشیاری و مقاومت" و در حقیقت چشم بستن بر واقعیت دعوت می شوند. رژیم به این پرسش کاملاً مشخص از جانب میلیونها انسان خشمگین که بالاخره نتیجه این همه خونریزی چه شد و چرا رژیم کشور را به تل و ویرانی تبدیل ساخته است، پاسخی نمی دهد. در پیام گفته می شود که "اینها یقیناً از عوامل غیب و از فلسفه شهادت بی خبرند" و گویا کشته شدگان "برای رضای خدا"، "مرد رطیق اخلاص و پسندگی" نهاده اند. بدینسان خمینی و پیروان جنایتکارش می کوشند تا با ادامه "سو" استفاده از باورهای مذهبی توده ها برای خود راه گریزی بیابند. سخنان مورد اشاره، صرف نظر از جنبه های تهدید آمیزی که دارند، عق نگرانی، درماندگی و وحشت رژیم را نیز می رسانند. خمینی پای پولادین توده ها را روی چینه خود و پیروانش احساس می کند. به همین دلیل از پیروانش می خواهد که "مترصد اوضاع دشمنان" باشند. رفسنجانی نیز در ادامه پیام خمینی هشدار می دهد که نیروهای حاکمیت "وحدت" خود را حفظ کنند و "با مطرح کردن چون و چراها جامعه را دچار اضطراب و آشفتگی و اخلاص نکنند. وی تاکید می کند که "تفرقه امروز ما را دچار مشکلاتی می کند که خودمان نمی فهمیم در آینده چه خواهد شد". همه اینها نشان می دهد که رژیم در شرایط بسیار دشواری قرار گرفته است و با آنکه سر و

در باره صلح پایدار . .

ترقی خواهانه ای پیروی کند. بدین معنا که سیاست خارجی خود را بر پایه "احترام به صلح، تشنج زدایی و دوستی بین خلقها و اصول و موازین شناخته شده" بین المللی همانند حسن همجواری و عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورهای مستقل و

صدا و تبلیغات برای ایجاد انحراف در افکار عمومی بسیار بالا گرفته است، به سادگی قادر نخواهد بود خود را از بن بست بیرون بکشد. امروزه در جامعه حرکت های خودپو به اشکال گوناگون موج می زند. ما بر آنیم که اگر طیف نیروهای مترقی با وجود اختلافات درونی بچینند، می توانند ضرباتی کاری پر یکر رژیم فرود آورند.

حوادث و رویدادهای اخیر بیانگر آن است که مردم، حتی بخش بزرگی از توده ها که تاکنون به حاکمیت چشم امید داشتند، اعتماد خود را به رژیم و بویژه به روحانیت از دست داده اند. این واقعیتی است که سران رژیم نیز به آن اعتراف می کنند، در پیام خمینی از جوانانی سخن گفته می شود که "در بهترین صحنه های زندگی و جهاد و شهادت" شرکت داشته اند، اما تحت شرایط امروز خود را بی نیاز از "هدایت و همکاری روحانیت و علما" متعهد اسلام می دانند. این پدیده حتی در نیروهای مسلح هم دیده می شود. یکی از مهمترین علل عقب نشینی های رژیم از مواضعی مثل "فرو" و "شلمچه" و جاهای دیگر روحیه بسیار پائین سربازان و سپاهیان و بی باوری آنان به سیاست رژیم بود. ما از این پس شاهد تندتر شدن روند کشته شدن بخشی از نیروها، به دلائل گوناگون، از حاکمیت ج.ا. خواهیم بود.

امروزه خمینی و پیروانش، به رغم همه تهدیدها و فشارها، حتی قادر نیستند که اطرافیان خود را ساکت سازند. پیام اخیر منتظری به خمینی "پیرامون عوامل و اسباب و موجبات بوجود آورنده" این شرایط تلخ و ناگوار، یعنی آن "حوادث و عواملی" که خمینی از بیان آنها سر باز می زند، بسیار پر معنی است. وی هشدار می دهد که باید "شیئات و سؤالات زیادی که وجود دارد مرتفع گردد"، و اگر نه "ساحت مقدس مرجعیت و ولایت فقیه" در تاریخ مخدوش می گردد و "دشمنان اسلام" آن را زیر علامت سؤال می برند. آیا از این صریح تر می توان به عقب خطری که حاکمیت "ولایت فقیه" را تهدید می کند، اعتراف کرد؟

چنین مسائلی بویژه در شرایط اوج گیری نارضایتی ها بیشتر تشدید خواهد شد و شکل علنی تری خواهد گرفت. باید از این شرایط پیش آمده در جهت هر چه ضعیف تر کردن حاکمیت و رشد جنبش نهایت بهره گیری را کرد. اما همانگونه که در حاکمیت تفرقه وجود دارد، متأسفانه نیروهای اپوزیسیون نیز از تفرقه بی نصیب نیستند و چنانکه بارها متذکر شده ایم این به ضرر جنبش است. زبانهای ناشی از فقدان اتحاد میان نیروها در شرایط کنونی فاجعه بار است. ادامه این وضع می تواند ضربه های بسیار سخت و شکننده ای به جنبش رویه رشد بزند. باید چشمه را باز کرد و واقعیتها را دید. باید تا دیر نشده جنبید، و اگر نه روند رویدادها سمت دیگری خواهد یافت.

دارای حق حاکمیت و سیاست داخلی خود را بر پایه رعایت حق خلقها در تعیین سرنوشت، احترام به دمکراسی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی انسانها در چارچوب یک نظام دمکراتیک و مردمی استوار ساخته باشد. رژیم حاکم فاقد چنین ویژگیهایی است.

تنها زمانی رژیم می تواند ادعا کند که خواستار صلح پایدار و همه جانبه است که به هرگونه تدارک مادی جنگ، در هر شکل آن، پایان داده شود. وقتی می گوئیم تدارک مادی جنگ، جهات گوناگونی را در نظر داریم. ملاحظه می کنیم که رسانه های گروهی رژیم خبر از اعزام نیرو به جبهه ها ندهند. مجلس همچنان تعطیل است و نمایندگان مجلس و بسیاری از دست اندرکاران امور با حضور در مناطق جنگی و با توسل به هزار عوام فریبی همچنان برای جلب نیرو به جبهه ها تلاش می کنند. شورای عالی پشتیبانی جنگ معلوم نیست بر اساس چه حقوقی، "قانون تشدید مجازات مشمولین فراری و غایب" را بتصویب می رساند. هنوز از برنامه های نظامی و تسلیحاتی، از "آزمایش موشک ۱۶۰ کیلومتری" و تولید انبوه آن و نیز آزمایش "۲ تا ۲ نوع موشک جدید... در ماههای آینده" (اطلاعات ۱۰ مرداد ۶۷) سخن گفته می شود و در یک کلام همچنان رژیم به سیاست نظامیگری خود در عرصه های گوناگون ادامه می دهد. هم میهنان!

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی رژیم ثمره مبارزه شاست. مبارزه در راه خاتمه دادن به جنگ را باید تا پایان ادامه داد. در هر مرحله، وظایف نوینی در برابر شما قرار می گیرد.

بر هیچ کس پوشیده نیست که در سالهای گذشته، نظامیگری در کشور ما بصورت یک سیستم سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و فرهنگی سرطان وار رشد کرده و جامعه را با فجايع گوناگون از جمله ۶ سال ادامه بی معنی جنگ روبرو ساخته است. این سیستم را باید در هم شکست. زندگی جامعه در همه عرصه ها از حالت جنگی باید خارج گردد. نگارید وضع موجود دستاویزی برای سرکوب حقوق و آزادیهای مردم از سوی رژیم قرار گیرد.

رژیم با تصویب "قانون تشدید مجازات مشمولین فراری و غایب" می خواهد از فرزندان و عزیزان شما، که با عدم حضور در جبهه های جنگ نقشه های خونبار رژیم را در هم ریختند، انتقام بگیرد. باید نه تنها به "مشمولین فراری و غایب" پناه داد و از آنها دفاع کرد، بلکه علیه این قانون تا لغو کامل آن مبارزه کرد. این سران جنگ طلب رژیم هستند که باید مجازات شوند، نه فرزندان خلق که خواهان صلح و سازندگی کشور خود بوده اند و هستند.

از اعزام فرزندان خود به جبهه با تمام توان جلوگیری بعمل آورید. صدها هزار جوان و نوجوانی که برای ادامه جنگ به جبهه کشانده شده اند، باید به خانه و کاشانه و به آغوش عزیزان خود باز گردند.

بکوشیم آتش بس و پایان جنگ را با مبارزه در راه ایجاد دگرگونی در مجموعه سیاست داخلی و خارجی کشور همراه سازیم.

واپسین دیدار با "کیو" و "سیمین"

دوجنبه تجاوزی نظامیگری

* جنبه تجاوزگری داخلی سیاست نظامیگری رژیم، سیمای خود را در پایمال سازی آزادیهای دمکراتیک و سرکوب جنبش آزادیخواهان توده‌های مردم توسط انواع نهادها و نیروهای سرکوبگر نشان می‌دهد.

* زندانیان "غیر قابل اصلاح" تحت فشارها و محرومیت‌های مضاعف قرار گرفته‌اند.

* در پی قطع ملاقاتها، خانواده‌های زندانیان سیاسی دل‌نگران و برآشفته در برابر زندان "اوبین" گرد آمدند تا از سرنوشت عزیزان خود خبر بگیرند. ولی گردهمایی خانواده‌ها آماج بورش و تیراندازی هوایی قرار گرفت.

رژیم "ولایت فقیه"، پس از آزاد شدن خرمشهر و دفع تجاوز ارتش عراق، هم‌روند با ادامه پیهوده جنگ، کشور را پیش از پیش در جاده خطرناک نظامیگری به پیش برد. نظامیگری یک سیاست است. سیاستی با مضمون تجاوزگری بر ضد خلق خود و دیگر خلقها. دو جنبه تجاوزی نظامیگری - تجاوزگری داخلی و خارجی - بایکدیگر پیوند ناگسستنی دارند. رژیمی همانند رژیم "ولایت فقیه" که با هدف "صدور انقلاب اسلامی" به دخالت آشکار حتی نظامی در امور داخلی دیگر کشورها می‌پردازد، طبیعی است که برای تحمیل اراده و خواست خود در داخل نیز حربه "جی‌توسل" به قهر و سرکوب ندارد.

جنبه تجاوزگری خارجی رژیم در ادامه بی‌معنای شش ساله جنگ ایران و عراق، دخالت آشکار در امور داخلی افغانستان و لبنان و دستبازی به عملیات تروریستی و اقدامات تحریک آمیز و تشنج انگیز چهره‌نمایی می‌کند. جنبه تجاوزگری داخلی سیاست نظامیگری رژیم سیمای خود را در پایمال سازی آزادیهای دمکراتیک و سرکوب جنبش آزادیخواهان توده‌های مردم توسط انواع نهادها و نیروهای سرکوبگر نشان میدهد. نیروهای مسلح، ابزار پیشبرد سیاست نظامیگری هستند.

بدنبال شکستهای پیاپی نظامی رژیم و گردن گذاشتن ناگزیر به خواست توده‌های مردم مبنی بر پایان دادن به جنگ و پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در واقع ستون فقرات سیاست "صدور انقلاب" جمهوری اسلامی شکست و ماشین جنگی رژیم در پیشبرد جنبه خارجی سیاست نظامیگری اش در گل ماند.

حال، در چنین شرایطی است که رژیم پیش از پیش به تشدید سیاست ترور و خفقان در داخل روی آورده است، تا از این راه ضمن تقویت شالوده‌های متزلزل حاکمیت خود، از خلق بخاطر ناکام ماندن سیاست نظامیگری اش انتقام بگیرد. در این چارچوب است که ارگانهای سرکوبگر آزار و پیکرد، دستگیری و شکنجه و اعدام مخالفان را بار دیگر تشدید کرده‌اند. در جامعه هر بانگ حق طلبانه و هر اقدام اعتراض آمیز بشدت سرکوب می‌گردد.

در این راستا، در درون سیاهچالها نیز رژیم آزار و فشار بر زندانیان را دیگر بار بشكل بی‌سابقه‌ای افزایش داده و شرایط توانفرسای زندان

شامگاه ۲۹ تیر، هوای دم کرده و زوزه آمبولانسی که شهر غمگین را درمی‌نوردد. این آمبولانس که با شتاب در پیچ و خم خیابان‌ها راه می‌گشاید، بیماردم مرگی را به بیمارستان نمی‌رساند، بلکه چسدهایی را به گورستانی دورافتاده می‌برد. به "لعنت آباد"

سرانجام آمبولانس متوقف می‌شود. فلق شنگرفی به تیرگی می‌نشیند. سکوتی توفان‌زاد در گورستان. گوئی که از یکایک "خاک" ها مردگان با پرچم انتقام برخاسته‌اند. در این سکوت حضور ملموس قهرمانانی احساس می‌شود که نیرومندتر از همیشه به جنگ مرگ آوران آمده‌اند. وحشت، پاسداران آورنده چسدها را می‌لرزاند. از سایه خود هم می‌ترسند. مسلسل بر سردست، پیاده می‌شوند و بلافاصله شروع می‌کنند. باید هرچه شتابان تر "صحنه" را ترک گویند. چاله‌هایی با ژرفای کم - حدود ۲۰ سانتیمتر - و پیکره‌های سراپا خون را با لپاس در چاله‌ها می‌اندازند و رویشان خاک می‌ریزند و می‌گریزند. آیا پایان راه همینجاست؟ اینک سگان ولگرد و بوی خون. بوی گوشت. و

پنجه‌هایشان خاک را می‌کاود و به کناری می‌زند... مادران و پدران، همسران و کودکان و دوستانی که باخبر می‌شوند و خود را با چشم گریان، با پای لرزان و قلب دردم‌فشرده به "آرامگاه" عزیزانشان می‌رسانند، با صحنه جانخراشی روبرو می‌شوند. چه کسی را یاری وصف این صحنه است؟ بخشی از پیکر "کیو" از خاک بیرون افتاده و قسمت‌هایی از صورت و سینه‌اش طعمه سگان گرسنه شده است. فاطمه مدرسی - بله نوه سید حسن مدرس - نیز وضع

را توافرساتر ساخته است. زندانیان سیاسی را به دو گروه "قابل اصلاح" و "غیر قابل اصلاح" تقسیم کرده‌اند و زندانیان "غیر قابل اصلاح" را تحت فشارها و محرومیت‌های مضاعفی قرار داده‌اند. در بی‌اعدام ده تن از زندانیان سیاسی، ۵۵ تن دیگر از



سرنوشت یکی از فرزندان این آب و خاک... سرنوشتی که در انتظارده ماهزاد نوجوان دهقان ایرانی بود که جان خود را در راه آزادی و برادری سترگ با یاران ۱۷۰۰ در مراب‌های مهیزه بگور سپردند.

آنان به سلولهای مرگ منتقل شده‌اند. قرار است که این فرزندان خلق گروه گروه در برابر جوخه‌های تیرباران قرار بگیرند. در نتیجه، همین وضعیت

بهتری ندارد. چهره خاک آلود، بخصوص برآمدگی بینی اش در سطح خاک احساس می‌شود. آخرین دیدار. کدام کلمات می‌توانند این لحظات را تصویر کنند؟ شما شاعران، شما نویسندگان، شما فیلمسازان، شما هنرمندان انسان دوست، چه کسانی بهتر از شما می‌توانند این لحظات را برای نسل امروز و آینده بازگو کنند؟

اینک تنها یک فکر وجود دارد. باید پیش از آن که سرو کله لاشخوهای رژیم پیدا بشود، پیکر بیجان شهدای خلق را از چنگال سگان گرسنه نجات داد. به سرعت دست بکار می‌شوند. اول گور عمیقی برای "سیمین"، سپس برای "کیو". اما پس از چاپچا کردن و "سروسامان دادن" سیمین لاشخورها سر می‌رسند و کار نیمه تمام می‌ماند.

آنان که پیکره‌های به خون آغشته "سیمین" و "کیو" را از نزدیک دیدند دریافتند که در جمجمه آنان از تیر خلاص اثری نیست. تنها جای گلوله در قلب و شکم و حفره‌هایی که از پشت دهان گشوده‌اند. گرگان آدمی خواری که با کینه حیوانی فرزندان خلق را به رگبار بستند برای آن که درنده خوئی‌شان را به "کمال" برسانند از زدن تیر خلاص خودداری ورزیدند. می‌خواستند که قربانیانشان حتی در آخرین لحظاتی که رگبار گلوله‌ها پولاد قلبشان را منفجر ساخته بود، از زجر بی بهره نمانند. چه انگیزه‌ای جز مقاومت و پای بندی به آرمان‌های انقلابی و وفاداری این بلند پالیان تاریخ به حزب طراز نوین طبقه کارگر، تا آخرین لحظه، درنده خوئی "اریک اندیشان" را تا به این حد رساند؟

است که زندانیان سیاسی بار دیگر به اعتصاب غذا، یعنی واپسین حربه مبارزه یک زندانی، دست زده‌اند. لب از خوردن فرو بستن زندانیان سیاسی با قطع کامل ملاقات آنان با خانواده‌هایشان، از سوی زندانبانان، تا اول مهر ماه همراه گردید. بدینسان رژیم می‌خواهد اخبار مربوط به مقاومت فرزندان اسیر خلق به بیرون درز پیدا نکند. در پی قطع ملاقاتها، خانواده‌های زندانیان سیاسی دل‌نگران و برآشفته در برابر زندان "اوبین" گرد آمدند تا از سرنوشت عزیزان و دل‌بندان دربند خود خبر بگیرند. اما بر پایه اخبار دریافتی، گردهمایی خانواده‌ها بدست گزمنگان خونریز رژیم با خشونت و بیرحمی و از جمله با اقدام به شلیک هوایی، آماج بورش قرار گرفت و از هم پاشیده شد. گفته می‌شود خانواده‌ها مقصد تحصن دارند.

در چنین اوضاع و احوالی، نباید آرام گرفت. وظیفه دشواری در برابر نیروهای انقلابی و مترقی قرار دارد. باید به دور از انحصار طلبی، خود محور بینی و ماجراجویی گام در راه تشکیل جبهه متحدی از نیروها پیش گذارد. برای در هم شکستن دستگاه سرکوب و به شکست کشاندن جنبه داخلی سیاست نظامیگری رژیم، باید توده‌های خلق را بسیج کرد و به مبارزه فعال و متشکل علیه رژیم و در راه آزادیهای دمکراتیک، و در مرکز آن، آزادی زندانیان سیاسی، کشاند.

کارزار جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران

فراخوان به همه نیروهای مترقی

روزنامه‌های جمهوری دمکراتیک آلمان در روز ۹ اوت خبر اعدام‌های اخیر را منتشر کردند (به کلیشه رجوع شود). در "نویس دویچلند" به اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران اشاره می‌شود، که "نیروهای مترقی را در سراسر جهان فرا می‌خواند، تا این اعداها را محکوم کنند و به نجات ۵۵ تن دیگر، که جانانشان در خطر است، بشتابند".

اعتراض به اعدام‌ها

وظیفه هر دمکرات است

روزنامه "مورنینگ استار" (بریتانیا - اوت) نیمی از صفحه اول خود را به خبر اعدام "پنج کمونیست ایرانی" اختصاص داد. در مقاله "مورنینگ استار"، که با حروف درشت و عکس رفیق شهید انوشیروان ابراهیمی چاپ شده است، می‌خوانیم: "ایران پنج کمونیست برجسته را اعدام کرده است و حداقل ۵۵ تن دیگر در سلول‌های مرگ پسر می‌برند. چنانکه "مورنینگ استار" یادآور می‌شود، رژیم در روز ۲۰ ژوئیه، یعنی دو روز پس از اعلام آمادگی برای مذاکرات صلح با عراق، به این جنایت دست زد.

این روزنامه به نقل از یکی از نمایندگان حزب توده ایران می‌نویسد: "این اعدام‌ها از آغاز کارزاری آشکار برای تدارک جوی اختناق‌آمیز سخن می‌گویند. رژیم از سئوالهای جدی مردم درباره علل ادامه جنگ و کشته‌های فراوان هراس دارد.

"مورنینگ استار" می‌افزاید: "در ایران صدها زندانی سیاسی، با وجود آنکه محکومیتشان مدت‌هاست سپری شده است، هنوز در بندند. بیش از ۸۰ خانواده (زندانیان سیاسی) به "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل" و "عفو بین‌المللی" نامه نوشته‌اند. بگفته این خانواده‌ها مقامات زندانیان را به "نخود خام" تشبیه کرده‌اند، که "تازم و پخته نشوند، باید در دیگ بمانند".

در نامه خانواده‌های زندانیان سیاسی آمده است که زندانیان متحمل شکنجه، آزار، سوء تغذیه و توهین می‌شوند، "تنها بخاطر آنکه حاضر نیستند به "اعتراف" تن در دهند و در عقاید خود استوار هستند".

در پایان مقاله "مورنینگ استار" همچنین به توهین و حمله "مقامات امنیتی" به خانواده‌های زندانیان سیاسی و دستگیری آنها اشاره می‌شود.

"مورنینگ استار" همچنین در تفسیری زیر عنوان "اعدام کمونیستهای ایران" به جنایت هولناک رژیم خمینی می‌پردازد و می‌نویسد: "دمکراتها در همه جا باید اعدام کمونیستها را

در ایران محکوم کنند. حزب توده ایران پیوسته، دوش بدوش مردم، در راه صلح و دمکراسی رزمیده است - چه در شرایط پس‌خطرناک دوران شاه و چه در دوران دشوار پس از انقلاب. (حزب) همواره خواهان خاتمه بخشیدن به جنگ ایران و عراق بوده است. هر کس، که خواستار صلح در خاورمیانه است، باید از حکمرانان ایران قطع اعداها و آزادی همه زندانیان سیاسی را طلب کند".

"اونزره تسایت":

جان زندانیان سیاسی ایران در خطر است

روزنامه "اونزره تسایت" در شماره ۶۰ اوت خود خبر اعدام رفقای توده‌ای زرنشاس، مدرسی



(رفدین) و آذرتک و رفیق فدایی صوفی را منتشر ساخت. در این خبر همچنین به فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران برای محکوم کردن این جنایت رژیم خمینی و اقدام سریع برای نجات جان ۵۵ زندانی سیاسی دیگر اشاره شده است. (به کلیشه رجوع شود)

لوموند:

اعدام ۴ تن از کمونیست‌ها

روزنامه "لوموند" چاپ پاریس در یکی از شماره‌های اخیر خود خبر اعدام سه تن از اعضای حزب توده ایران را در زندانهای رژیم ج.ا.ا. انتشار داد.

این روزنامه در شماره ۵۰ اوت خود با استناد به اطلاعاتی هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلام کرد که رفیق کیومرث زرنشاس عضو کمیته مرکزی حزب و نیز رفقا سعید آذرتک و

سیمین فردین از کادرهای سازمان مخفی حزب در تاریخ بیستم ژوئیه سال جاری در تهران اعدام شدند. رفیق فرامرز صوفی عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز در همین تاریخ به جوخه اعدام سپرده شده است.

این روزنامه در پایان مطلب با اشاره به متن اطلاعاتی هیئت سیاسی، ضمن یادآوری این نکته که رفیق انوشیروان ابراهیمی عضو هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب اخیراً در زندان تهربران شد، تاکید می‌کند که جان ۵۵ زندانی سیاسی دیگر که اخیراً برای اجرای احکام اعدام به سلولهای انفرادی منتقل شده‌اند، در خطر جدی است.

"کمیته همبستگی" (آلمان غربی):

جان زندانیان سیاسی

در خطر است

"کمیته همبستگی با ایران" جمهوری فدرال آلمان اعلامیه‌ای منتشر کرد، که با جمله "زندگی زندانیان سیاسی در ایران پشت در خطر است" آغاز می‌شود.

"کمیته همبستگی" موج جدید کشتار زندانیان سیاسی را در پیوند نزدیک با شکست سیاست "جنگ، جنگ، تا پیروزی" رژیم خمینی می‌بیند و می‌افزاید:

"واکنش رژیم خمینی در برابر هر بحران سیاست داخلی اعدام زندانیان سیاسی بوده است".

"کمیته همبستگی با ایران"، "همه مردم صلح جوی جهان" را فرا می‌خواند، تا "در برابر رفتار جنایتکارانه و ضد انسانی رژیم خمینی" به اعتراض برخیزند و از مردم آلمان غربی می‌خواهد، تا با فرستادن فراخوانی به خاورپرس دکوئینار، دبیر کل سازمان ملل متحد، به نجات جان دیگر زندانیان سیاسی، که در معرض خطر عاجل اعدام هستند، بشتابند.

تظاهرات اعتراضی "حزب"

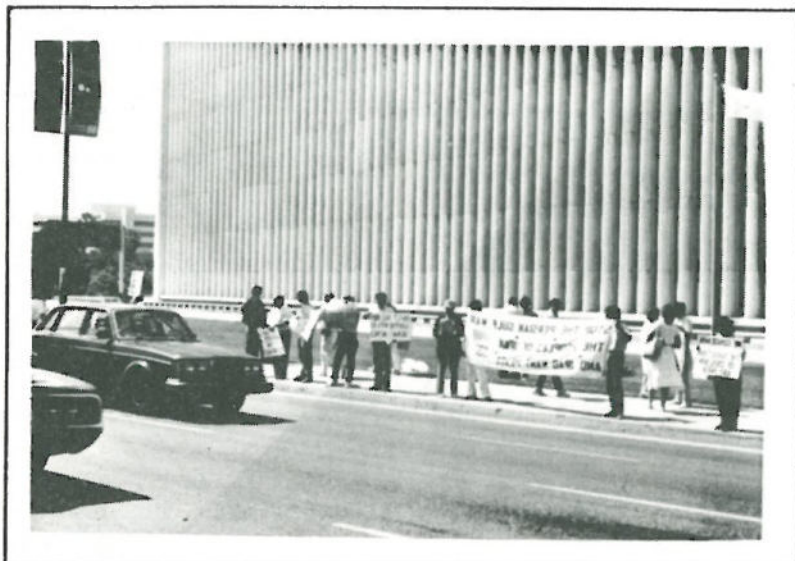
و "سازمان" در برلین غربی

روز شنبه ۶ اوت ۱۹۸۸، برای اعتراض به اعدام رفقای توده‌ای زرنشاس، مدرسی و آذرتک و رفیق فدایی صوفی، و افشای توپنه جنایتکارانه رژیم برای اعدام عده دیگری از زندانیان سیاسی، میتینگ در مرکز شهر برلین غربی برگزار شد. در این میتینگ که مشترکاً از سوی رفقای توده‌ای و فدایی ترتیب داده شده بود، شعارهایی در اعتراض به جنایتهای اخیر و دعوت افکار عمومی شهر برای اقدام در راستای جلوگیری از مقاصد رژیم خونریز خمینی حمل می‌شد. رفیق فسکه، از رهبران حزب سوسیالیست متحده برلین غربی، نیز با شرکت در این میتینگ مراتب همبستگی کمونیست‌های شهر را

تظاهرات صلح در نیویورک

بدنبال تشکیل جلسه ویژه سازمان ملل متحد برای منع تسلیحات هسته‌ای، به دعوت ائتلاف وسیعی از نیروهای صلح دوست آمریکائی و غیر

عرصه جنگ و چه در زندان ها، افشا کردند. نیروهای یادشده با حمل پلاکاردها، برپائی میز نشریات، پخش پرشورهای از فجایع جنگ



ایران و عراق، جزواتی از مقالات حزب و حزب کمونیست عراق و "توده نیوز"، فروش دکمه و پیراهن با طرح و شعار صلح، همبستگی نیروهای شرکت کننده در تظاهرات را بطرز وسیعی جلب کردند.

گروه‌های بزرگی از شهرهای ناکازاکی و میروشیما ژاپن نیز، با حمل عکس‌هایی از فاجعه بمباران اتمی این شهرها توسط آمریکا در دهه چهل، جلوه خاصی به تظاهرات دادند.

حمله به جت مسافری ایران محکوم شد

روز نهم ژوئیه، به دعوت کمیته همبستگی با مردم ایران در شهر لوس آنجلس ایالات متحده در مقابل ساختمان فدرال غرب، تظاهراتی برپا شد. در این تظاهرات حمله ناوگان آمریکائی به جت مسافری ایران محکوم شد و تظاهرکنندگان خواستار خروج ناوگان‌های جنگی خارجی از خلیج فارس شدند. اخبار تظاهرات در روزنامه‌های پرتیراژ لوس آنجلس و پرتماشاگرترین کانال‌های تلویزیونی (۷ و ۵ و ۱) انتشار یافت و نیز با گردانندگان تظاهرات مصاحبه‌هایی بعمل آمد.

در جریان تظاهرات، هریت کتزر، نماینده "ائتلاف برای صلح در خاورمیانه"، در سخنرانی خود خطر افزایش نیروهای نظامی آمریکا در خاورمیانه را اعلام کرد. و نیز لیندا لاتس، نماینده "کمیته سرویس برای دوستان آمریکا" درباره فروش اسلحه توسط دولت ریگان به ج.ا. صحبت کرد. نماینده "کمیته همبستگی با مردم ایران" نیز بویژه درباره پی آمدهای جنگ ایران و عراق به سخنرانی پرداخت.

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این تظاهرات شرکت داشتند.

آمریکائی، روز ۱۱ ژوئن تظاهرات عظیمی در نیویورک برپا شد.

در این تظاهرات حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، پاپسیچ بیش از صد هزار نفر از صلح دوستان نقش بسیار چشمگیری داشت.

در جریان تظاهرات هواداران حزب توده ایران، تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و نیز کمیته همبستگی با مردم ایران بطور فعال شرکت داشتند و جنایت‌های رژیم ج.ا. را، چه در

غارت همه‌جانبه . . .

تنها درسی از شکست مفتضحانه "سیاست" صدور انقلاب" نیاموخته‌اند، بلکه از نوتلاش می‌ورزند با تشدید ترور و وحشت و سر به نیست کردن شایسته‌ترین فرزندان اسیر خلق پایه‌های لرزان حکومت جهل و جنایت راستحکم کنند.

منتظری در همین سخنرانی از نو درباره "ارزشهای اسلام و تحقق عدالت" عوامفریبی می‌کند و رباکارانه می‌افزاید: "مبادا" خدای ناکرده تحت تاثیر جو قرار بگیریم و احیانا از مرز عدالت خارج شویم". آیا "آیت الله العظمی منتظری" واقعا نمی‌داند که چرخ دستگاه رژیم به سود سرمایه‌داران و ملاکان می‌چرخد و می‌چرخد؟ آیا او نمی‌داند که گردانندگان رژیم بنام "اسلام فقاهتی" دست به ننگین‌ترین جنایات ضد انسانی زده‌اند، زندانیان را شکنجه کرده‌اند و خودسرانه به قتل رسانده‌اند؟ از اینروست که سخنان او و امثال او دیگر در نظر مردم پشیزی ارزش ندارد. گردانندگان رژیم "ولایت فقیه" سالهاست که از "مرز عدالت" خارج شده‌اند، هم در مورد کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا و هم نسبت به کسانی که خواهان برقرار شدن عدالت اجتماعی در جامعه بوده‌اند و دیر نیست روزی که باید پاسخگوی خونهای به ناحق ریخته شده باشند.

با زندانیان سیاسی ایران ابراز داشت و اعدام رفقای توده‌ای و فدایی را محکوم ساخت. عکس و گزارش این میتینگ در صفحه "اول روزنامه" "دی‌وارهای" منتشر شد. (به کلیشه رجوع شود).



تظاهرات در شهرهای آلمان غربی

در روز ۸ اوت هواداران حزب توده ایران در شهرهای گوناگون آلمان غربی به تظاهرات علیه اعدام رفقای توده‌ای و فدایی بدست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی پرداختند.

در هامبورگ هواداران "حزب" و "سازمان" در مرکز شهر به تظاهرات، پخش اعلامیه و جمع‌آوری امضا پرداختند. در فرانکفورت (ماین)، علاوه بر پخش اعلامیه و جمع‌آوری امضا، درباره شرایط دهشت انگیز زندانهای ایران سخنرانی شد. در گوتینگن، تظاهرات اعتراضی با یک نمایشگاه عکس همراه بود. در بن و دارمشتات، نیز گردمایی‌های مشابهی صورت گرفت.

اعلامیه جنبش ایرانیان ضد جنگ

مقیم برلین غربی

"جنبش ایرانیان ضد جنگ مقیم برلین غربی" پس از هدف گیری هواپیمای مسافری ایران توسط رزمناو آمریکایی "وینسنس" با انتشار اعلامیه‌ای "هموطنان و انسان‌های آزاده و صلح‌دوست جهان" را فراخواند تا با شرکت در یک تظاهرات ضد امپریالیستی، امپریالیسم آمریکا را شدیداً محکوم سازند و "خواهان خروج تمامی نیروهای خارجی بویژه نیروهای متجاوز آمریکائی از خلیج فارس" گردید.

"جنبش ایرانیان ضد جنگ مقیم برلین غربی" متن کامل این اعلامیه را برای "نامه مردم" فرستاده است که متأسفانه آنرا با تاخیر زیاد دریافت کرده‌ایم.

برای نجات جان و آزادی زندانیان سیاسی متحداً مبارزه کنیم!

غارت همه جانبه

اعتراف رسواکننده منتظری

"یکی از عوامل مهم (در مسئله تورم و گرانی)، شیوه غلط بعضی از ارگانهاست که مثلا اجناس زیادی را که مورد احتیاج مردم است با قیمت دولتی و ارزان از دولت می‌خرند و با قیمت گزاف، به بهانه تامین مخارج فلان نهاد یا کمک به جنگ، به مردم محروم می‌فروشند..." (از سخنرانی منتظری، به مناسبت هفته "ولایت فقیه"، ۱۲ مرداد ۶۷).

نخست باید این جمله را اندکی شکافت تا عین اقتضاح نمایانتر شود: دولت "خدمتگزار" که از چندی پیش چماق "تعبیرات دولتی" را نیز برای مبارزه علیه گرانی‌فروشی در اختیار دارد و آن را با شدت وحدت علیه کسبه "جز" بکار می‌گیرد، راسا و به کمک سران ارگانها و نهادهای "اسلامی"، دست به گرانی‌فروشی می‌زند و مردم زحمتکش و حقوق‌بگیر را بپرچمانه غارت می‌کند. دولت اجناس مورد نیاز عموم را به جای عرضه در تعاونیها و جزئی‌فروشی‌ها یکجا در اختیار مثلا برخی از سران "سیاه پاسداران" قرار می‌دهد تا آنها را برای پرکردن جیب‌های خود و پرداخت حقوق و مزایا به پاسداران حقوق‌بگیر و مزدور، به چند برابر قیمت اصلی به مردم زحمتکش بفروشند!

دولت از یکسو مبالغ زیادی را مستقیما از

دستمزدهای ناچیز کارگران و دیگر زحمتکشان به بهانه کمک به جیبه کسری‌کند و از سوی دیگر، اندک پول باقیمانده در دستهای آنان را نیز از راه گرانی‌فروشی ارگانها و نهادهای "اسلامی" به غارت می‌برد. البته مسئله جنگ تنها بهانه‌ای برای چپاول مردم توسط این ارگانهای "اسلامی" بوده است و برای بهتر شناخته شدن سیمای واقعی این دوستان دروغین "مستضعفان" و "رزمندگان اسلام" باید افزود که یکی از علل از هم پاشیده شدن جیبه‌های جنگ و فرار گروهی سربازان و رزمندگان در ماههای اخیر، همانا نبود و کمبود خوراک و پوشاک و حتی آب آشامیدنی در جیبه‌ها بوده است. سران نهادها و ارگانهای "اسلامی" بیشتر کسهای چپ‌آوری شده برای جیبه را از نیمه راه به جای دیگر می‌برده و در بازار آزاد می‌فروخته‌اند. حتی آب آشامیدنی هم موضوع سو استفاده و مال‌اندوزی شده بوده است.

به دیگر سخن دزدان و کلاشانی در کسوت روحانیت و در لباس وزیر و رئیس و فرمانده، در روز روشن به غارت مردم محروم و زحمتکش و چنگزده مشغول بوده‌اند و اکنون نیز هستند. ضمنا تا بحال در هیچ جا دیده و شنیده و خوانده نشده که حتی یک تن از گردانندگان ارگانها و نهادهای "اسلامی" مورد اشاره آقای منتظری، بخاطر گرانی‌فروشی و چپاول مردم محروم، گرفتار "تعبیرات دولتی" و یا مجازات‌های ملایم‌تر شده باشد. دلیل آن روشن است. این غارتگران "سلح" خود از صاحبان واقعی قدرت در رژیم "ولایت فقیه" اند.

وجود خفقان مطلق در جامعه امروز ایران نیز بر همین پایه قابل توضیح است. تجربه همه*

کشورها نشان می‌دهد که غارتگران و طفیلی‌ها جز از راه فریبکاری و عوامفریبی، اعمال زور و ترور و تحمیل خفقان سیاسی و اجتماعی قادر به ادامه حیات نیستند.

افسانه‌هایی که سالهاست پیرامون دفاع از "مستضعفان" و "کوخ نشینان" در برابر "مستکبران" و "کاخ نشینان" سر هم بندی شده می‌شود، تاکنون عملا جز فقر و فلاکت روزافزون کارگران و زحمتکشان و شروتمندتر شدن غارتگران هیچ حاصل دیگری نداشته است. البته این واقعیت به هیچ روی امری تصادفی نیست بلکه پیوند ناگسستنی با شیوه نگرش و ماهیت طبقاتی سران و گردانندگان رژیم دارد.

توجه به یک نکته اساسی دیگر نیز ضرورت دارد: مشکل بزرگ مردم ایران تنها این نیست که با دزدان و غارتگرانی نظیر بسیاری از گردانندگان ارگانها و نهادهای "اسلامی" سر و کار دارند، دشواری بزرگتر اینجاست که این دزدان و غارتگران خود را پرگزیده "الله" می‌دانند و تسلط بر چنان مال و ناموس مردم راحق طبیعی و "شرعی" خود بشمار می‌آورند و بنام خدا از هیچ جنابیتی رویگردان نیستند.

این روزها که خبرهای هولناک مربوط به اعدام‌های خودسرانه و دزدانه زندانیان سیاسی سراسر کشور را در بهت و حیرت فرو برده است، مردم ایران به چشم خود می‌بینند که "طلبه‌های گرداننده رژیم، این خائنان به مردم و میهن که بر اثر خیانت کشور را به ورطه بحران عمیق اجتماعی و اقتصادی کشاندند و صدها هزار جوان و نوجوان ایرانی را قربانی شهوت فرمانروایی خود کردند، نه بقیه در ص

۵۵

بقیه از صفحه اول

فکر و اندیشه و بیان احترام می‌گذارند باید بدانند که دفاع از زندانیان سیاسی، عالی‌ترین شکل و جلوه دفاع از آزادی است. امروز همه نیروهای متشکل سیاسی که در تکاپوی فرو ریختن رژیم‌های اسارت از دست ویای مردم میهن‌مان هستند باید بدانند اگر کام در راه مبارزه متحد بخاطر آزادی نگذارند، فردا دشمن مشترک ما، پیکر بی‌جان و خون‌آلود جمعی از رفقایمان را روی دستهایمان خواهد گذارد.

هم میهنان! نیروهای انقلابی و ترقیخواه!

به بانگ خانواده زندانیان سیاسی یعنی فرزندان که چشم براه دیدن دگرباره پدران و مادران خود هستند، مادران و پدرانی که پسران یا دختران، و زنان یا شوهرانی که با هزار امید و آرزو همسران خود را انتظار می‌کشند، و نیز به بانگ استمداد حزب ما که با تمام توان در راه آزادی همه زندانیان سیاسی قطع نظر از اختلافات موجود در بینش سیاسی، اجتماعی و عقیدتی‌شان مبارزه می‌کند، پاسخ مثبت بدهید. در همبستگی پرشور شما برای آزادی زندانیان سیاسی است که خانواده آنها بیش از پیش به حقانیت راه و امر مقدسی که عزیزان در بندشان در پیش گرفته‌اند پی می‌برند و ایمانشان را سخ‌تر می‌شود. در همبستگی متحد شمامت که دشمن تن به عقب‌نشینی می‌دهد و سرانجام از سریر قدرت به زیر کشیده می‌شود. نباید اجازه داد که تیغ آخته دشمن با خون بهترین فرزندان خلق آبدیده شود.

پیش بسوی تشدید مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی!

مصاحبه مطبوعاتی محلاتی باروز نامه اسرائیلی

روز ۱۲ مرداد، رادیو اسرائیل مصاحبه خبرنگار روزنامه اسرائیلی "بیید بیوس هارائوس" با محمد جعفر محلاتی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد را پخش کرد.

آیا این مصاحبه قطع نظر از محتوای آن تصادفی است؟ البته نه! این نخستین بار است که یک خبرنگار اسرائیلی موفق به مصاحبه علنی با یکی از مقامات رسمی ج.ا.ی. می‌شود. ارتباط پنهانی رژیم با دولت اسرائیل، علیرغم باصطلاح تبلیغات ضد صهیونیستی آن سالهاست که ادامه دارد و رسانه‌های گروهی جهان ده‌ها و صدها سند و مدرک انکار ناپذیر در این زمینه منتشر ساخته‌اند. آخرین سند مشابه ماجرای "ایران - گیت" است که طی آن ایالات متحده آمریکا توسط اسرائیل سلاحهای مدرن و نیز بدکیهای مورد نیاز سلاحهای آمریکایی را به رژیم جمهوری اسلامی فروخت. هم اکنون محاکمه "هنریشگان" اصلی تئاتر "ایران - گیت" در آمریکا در جریان است و شاید بزودی پرده از روی اسرار جدیدی برداشته شود.

اما آنچه مربوط به دولت اسرائیل و سران ج.ا.ی. است، باید خاطر نشان ساخت، ارگانهای باصطلاح امنیتی کشور، در حالی که تمام نیروی خود را صرف سرکوب نیروهای ملی و مترقی در داخل کرده‌اند، عملا عرصه فعالیت وسیعی را برای جاسوسان "موساد" در کشور باز گذاشته‌اند. مشکل به نظر می‌رسد که گردانندگان وزارت اطلاعات از ارتباط بسیار نزدیک همکاران ساواکی خود با جاسوسان "موساد" در ایران بی‌خبر باشند. این جاسوسان همان افرادی هستند که روابط پنهانی میان فرماندهان ارتش اسرائیل و انحصارهای اسلحه‌سازی آن کشور را با سران ج.ا.ی. برقرار کردند و فروش سلاح و تجهیزات نظامی توسط اسرائیل به نیروهای مسلح ج.ا.ی. را سازمان دادند.

مصاحبه اخیر محلاتی در نیویورک با خبرنگار اسرائیلی در واقع "گام جدیدی" برای علنی کردن مناسبات رژیم با صهیونیستهای اسرائیل است. بدون شک محلاتی بدون اجازه گروه رفسنجانی - احمد خمینی نمی‌توانست بخود اجازه چنین مصاحبه‌ای را بدهد. و این نیز دلیل بارز دیگری بر آغاز فروپاشی رژیم است. رفسنجانی و احمد خمینی که در روزهای اخیر سکان کشتی در حال غرق شدن را بدست گرفته‌اند با دنبال کردن "استراتژی نزدیکی به غرب"، سیاست علنی کردن "نزدیکی" با اسرائیل، متحد استراتژیک امپریالیسم آمریکا را در پیش گرفته‌اند و در این زمینه نیز با در جای پای رژیم گذشته می‌گذارند. اما باید پرسید: آیا رژیم گذشته توانست بانکبه بر آمریکا و صهیونیست‌های اسرائیل نظام را از نابودی نجات دهد؟



از کارخانه‌ها، زندگی و رزم کارگران

درگیری جناحها در پالایشگاه تهران

به کوشش انجمن اسلامی پالایشگاه تهران و شوق زاده، رئیس این پالایشگاه، برکنار شد و احدیان، رئیس پالایشگاه اصفهان، جای او را گرفت. رئیس جدید که از قماش اعضا انجمن اسلامی است نیز اشخاص مورد نظر خود را در قسمت‌های مختلف، از جمله در سرپرستی‌ها، قسمت‌های کنترل، پالایش و ریاست کارگاه مرکزی تعمیرات، بکار گمارد. کارکنان پالایشگاه، با آنکه از عناصر قبلی رژیم در راس قسمت‌های مختلف پالایشگاه‌ها دل خوشی نداشتند، نسبت به تغییرات و انتصابات جدید نیز بشدت بدبین هستند. زیرا اغلب نوآمده‌ها فاقد کارآئی هستند و صرفاً بدلیل "حزب الهی" بودن انتصاب شده‌اند.

اختلافات در پالایشگاه تهران از درگیری جناحها ریشه می‌گیرد. پس از انقلاب، انجمن اسلامی پالایشگاه تا سه سال فعالیت کرد. سپس در جریان بازگشت هیئتی به سرپرستی ابوالحسنی، یکی از کارکنان پالایشگاه که برای مهار آتش‌سوزی چاه‌های نفت به خلیج فارس رفته و "موفق" بازگشته بود، انجمن اسلامی بدستور غرضی، وزیر سابق نفت، کنار زده شد و هیئتی بنام "عزاداران حسینی" به سرمداری ابوالحسنی تشکیل شد. "عزاداران حسینی" برای گسترش فعالیت و نفوذ خود کارگاه بزرگی را با استفاده از آخرین تکنولوژی موجود، دایر کردند و آن را کارگاه شهید صادقی نام نهادند. اینک پس از روی کار آمدن آقازاده در وزارت نفت، هیئت "عزاداران حسینی" با پا در میانی "مهدوی"، فرستاده* وزیر جدید، کنار گذاشته شد و انجمن اسلامی پایک* انتخابات "زام قدرت در پالایشگاه تهران را بدست گرفت. در جریان این دگرگونی، حتی کارگاه یاد شده تعطیل گردید و ماشین آلات مربوطه به "کارگاه مرکزی" انتقال یافت.

۲۰ شرکت واگذار شد

نشریه* داخلی "سازمان صنایع ملی"، شماره ۴۷-۴۸، در سال ۶۶ خبر می‌دهد که "به استناد رای هیئت ۵ نفره ۲۰ شرکت تولیدی از زیر پوشش سازمان خارج شده است". در این خبر آمده است که شرکت‌های یاد شده به سهامداران قبلی و یا جدید واگذار شده است. شرکت‌های واگذار شده، به تفکیک گروه، عبارتند از: گروه صنایع نساجی و چرم: شرکت صنایع پوشش ایران، شرکت به‌ریس اصفهان، شرکت ریسندگی گیلان، شرکت کارخانجات ریسندگی و بافندگی فومنات، شرکت پشمیافی جهان، گروه صنایع سلولزی: شرکت تولیدی کارخانجات مبل و صنعت چوب دقت، شرکت صنعتی

مقوا سازی شرق، گروه صنایع سیمان: شرکت آجر سندام، شرکت سیمان هرمزگان، شرکت صنایع مصالح ساختمانی مازندران، شرکت سیمان کرمان و گروه صنایع برق و لوازم خانگی: شرکت کابل‌سازی ایگو، گروه صنایع غذایی: شرکت روغن نباتی ناب، شرکت کشت و صنعت شمال، شرکت کیوان، کارخانه* قند و تصفیه* شکر اهواز، شرکت سردخانه* بزرگ فارس، شرکت اروندشت، شرکت کشت و صنعت گرگان و شرکت دشت مرغاب.

عدم رعایت ضوابط ایمنی در "ایران پویا"

در اثر نقص فنی جرثقیل دست کارگری در قسمت قالب‌سازی کارخانه* "ایران پویا" در زیر یک محموله* چهارتنی له شد. در حالیکه ظرفیت رسمی جرثقیل ۲ تن بود، با آن قطعه‌ای بنام "کانتینر پرس" را، با حدود ۴ تن وزن، بلند کردند. جرثقیل قدرت تحمل یک تن وزن اضافی را نداشت در نتیجه قطعه* یاد شده روی دست کارگری بنام مختاری سقوط کرد. حدود ۵۰ نفر کارگران این قسمت از این واقعه، که نتیجه* عدم رعایت ضوابط ایمنی است، بشدت خشمگین شدند و به اعتراض پرداختند. به زودی خبر در بخش‌های دیگر کارخانه نیز پخش شد که موجب تشنج در کارخانه گردید. در همان روز یکی از کارگران قسمت برق نیز از نردبام مخصوص سقوط کرد. همچنین کارگران این واحد از کمبود آب آشامیدنی رنج می‌برند. تاکنون مدیریت کارخانه تاکنه‌هایی از آب آشامیدنی خریداری می‌کند، اما مدتی است که بدلیل کمبود بودجه، در این کار اهمال می‌شود و کارگران مجبورند از بیرون کارخانه باده‌های پلاستیکی "آب تهران" تهیه کنند.

طومار دیپلمه‌ها

"بنیاد مستضعفان" به کارخانجات و شرکت‌های تحت پوشش خود اعلام کرد که "دیپلمه‌های واجد شرایط" را برای استفاده از بورس تحصیل در دانشگاه‌ها معرفی کنند. کارخانه* "ایران پویا" از بین ۱۴۰ نفر دیپلمه تنها ۱۲ نفر را معرفی کرد. دیپلمه‌های دیگر کارخانه با امضا* یک طومار و ارسال آن برای سرپرست بنیاد مستضعفان، حسین کمالی - نماینده* مجلس و مدیریت کارخانه اعتراض شدیدشان را اعلام داشتند.

دو اعتصاب

در نیمه* دوم سال ۶۶، گروهی از کارگران "روغن نباتی جهان" در کرج به اعتصاب سه روزه دست زدند. علت اعتصاب خواستهای صنفی بود.

در کارخانه* "ناز" اصفهان نیز بخشی از کارگران برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و دریافت اضافه کاری‌های عقب افتاده اعتصاب کردند. این اعتصاب سه روز ادامه داشت. کارخانه* "ناز" اصفهان ۸۰۰ نفر کارگر دارد.

وضع بد کارگران مترو

خطر بیکاری بخشی از ۲۰۰ نفر کارگران و کارکنان متروی تهران، موسوم به "شرکت راه آهن شهری تهران و حومه" را تهدید می‌کند. تق و لق بودن کار در اثر کمبود بودجه است. کارگران مترو از بین کارگری، شناسنامه* کار، دفترچه* بیمه و غیره محروم اند. سال پیش دو سه ماهی حق بیمه از حقوق کارگران کسر و به حساب بیمه ریخته شد. ابراهیمی، مدیر عامل مترو، دستور داد که دیگر حق بیمه از کارگران گرفته نشود. هدف آن است که کارگران همواره در حال استخدام موقت باشند و وزارت کار هیچ مسئولیتی را در قبال آنان بعهده نکیرد. ابراهیمی گفته است، ما نمی‌توانیم جلوی دولت بایستیم. هر وقت خودشان صلاح دیدند مسئله را حل می‌کنند. متروی تهران توسط اشخاص مورد اعتماد رژیم، بخصوص وزیر کشور، اداره می‌شود.

در روز جهانی کارگر

در روز جهانی کارگر، با آنکه در ساوجبلاغ سرویس‌ها را آماده کرده بودند که کارگران را به تظاهرات اجباری ببرند، در کارشان موفق نشدند. تنها گروه کوچکی از کارگران، آن هم از ترس اخراج، در تظاهرات فرمایشی شرکت کردند.

تصحیح و بوزش

در شماره ۲۱۹ نامه مردم دو غلط چاپی وجود دارد که باید آنها را تصحیح کرد.

در صفحه سوم وسط ستون سوم پس از جمله "اکثریت عظیم مردم عراق هم مانند مردم ایران مسلمان و اکثراً شیعی هستند" کلمات: "مکر شخص خمینی سالهای سال" افتاده است.

در صفحه هفتم "گزارش رسیده" بجای "پرتون گردونم"، "پرتون نگردونم" چاپ شده است.

اطلاعیه.

این فاجعه، که مسئولیت کامل آن بعهده* نیروی دریایی آمریکا است، در پی تصادمات مکرری صورت می‌گیرد، که همین نیروها در آن دخالت داشته‌اند. این واقعه خطری را که تمرکز ناوگان کشورهای عضو "ناتو" و در درجه* اول از جانب آمریکا علیه صلح و امنیت منطقه پدید می‌آورد، آشکارتر می‌سازد.

دبیر خانه* فداسیون سندیکایی جهانی به خانواده* قربانیان این واقعه تسلیت می‌گوید و این جنایت فحیح نیروی دریایی ایالات متحده را شدیداً محکوم می‌سازد. دبیرخانه خواست خود را مبنی بر خروج همه* ناوگانهای امپریالیستی از خلیج فارس باریکتر تکرار می‌کند.

دبیر خانه* فداسیون، کارگران و سندیکاهای همه* کشورهای را فرامی‌خواند تا در جهت خاتمه* مسالمت آمیز نزاع خونینی که مدت هشت سال ایران و عراق را در برابرم قرار داده است، بر مبنای قطعنامه* ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، تلاش ورزند.

پیراگ-پنجم ژوئیه ۱۹۸۸

سومین کردهمایی کمونیستهای امریکای جنوبی

احزاب کمونیست آمریکای جنوبی جهانیان را به همبستگی هر چه بیشتر با نیروهای ملی، دمکراتیک و انقلابی این شبه قاره، که در راه آزادی و علیه امپریالیسم می‌رزمند، فرا خوانده‌اند. این فراخوان در اعلامیه‌ای آمده است، که در پایان دیدار سه روزه* احزاب کمونیست آمریکای جنوبی در "مونت ویدئو"، پایتخت اروگوئه، انتشار یافت.

کمونیستهای کشورهای زیر در این کردهمایی شرکت کردند: آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، اکوادور، کلمبیا، پاناما، پاراگوئه، پرو، اروگوئه و ونزوئلا. فزون بر این، نمایندگان "جبهه* ساندینیستی آزادی ملی نیکاراگوئه" و "جبهه* آزادی ملی فارابوندو مارتی" السالوادور بعنوان ناظر در "مونت ویدئو" حضور داشتند. در اعلامیه* احزاب آمریکای جنوبی تصریح می‌شود، که کمونیستهای آمریکای جنوبی برای دستاوردهای انقلاب کوبا و ساختمان پیروزمندان* سوسیالیسم در این کشور، که به آرزوها و رویاهای میلیونها سکنه* آمریکای لاتین تحقق می‌بخشد، ارزش ویژه* قائل هستند.

مردم قهرمان نیکاراگوئه با انقلاب خلقی خود مظهر مبارزه برای دستیابی به حاکمیت ملی، آزادی، دمکراسی و آینده‌ای تابناک شده‌اند.

همبستگی بین‌المللی، قرارداد صلح گواتمالا و کوشش‌های گروه کشورهای "کونتا دورا" و "لیما" پایه‌های مهمی را برای حل سیاسی مسائل آمریکای میانه تشکیل می‌دهند.

شرکت کنندگان کردهمایی "مونت ویدئو" جنگ جنایتکارانه و کثیف علیه "اتحاد دمکراتیک" و دیگر نیروهای چپ و دمکراتیک کلمبیا* را محکوم می‌کنند. کمونیستهای آمریکای جنوبی مردم را به پشتیبانی از دولت و خلق پاناما در مبارزه برای اجرای کامل "قراردادهای کانال" فرامی‌خوانند و از ایالات متحده* آمریکا می‌خواهند تا به مداخله* خود در امور داخلی پاناما بیدرتنگ پایان بخشند.

شرکت کنندگان "گروه‌های مونت ویدئو" همبستگی خود را با مردم شیلی در پیکار در راه استقرار دمکراسی و مقابله با نامزد ریاست جمهوری رژیم دیکتاتوری یادآور می‌شوند.

در اعلامیه* این کردهمایی از مبارزه* میهن پرستان پاراگوئه پشتیبانی می‌گردد. کمونیستهای آمریکای جنوبی از رژیم این کشور می‌خواهند، تا سکوت خود را درباره* سرنوشت آنتونیو مایدانا بشکنند.

بعقیده* کمونیستهای آمریکای جنوبی، پیکار زحمتکش و مردم این شبه قاره برای دمکراسی و پیشرفت درسهای نظری و عملی جدیدی را می‌آموزد. آنها در این زمینه به افزایش نقش فعال مسیحیان، روشنفکران، دانشجویان و دیگر نیروهای اجتماعی در مبارزه برای دمکراسی اشاره می‌کنند. احزاب

جنایت امریکادخلیج فارس

این مسخره بازی تاکی؟

دادگامی که سازمان امنیت ترکیه برای محاکمه* حیدر کوتلو و نیهات سرکین سرهم بندی کرده است، هر از گاهی جلسه‌ای تشکیل می‌دهند و سپس مدتی تا تشکیل صحنه* بعدی به تعویق می‌افتد.

هفته* پیش این مضحکه بار دیگر تکرار شد. هنوز رفیق حیدر کوتلو مجال نیافته بود دفاعیه* ژوئیه* خود را ادامه دهد، که رئیس دادگاه "دادرسی" راتا ۱۷ اوت تعطیل اعلام کرد!

ظاهراً مقامات ترکیه خود نیز به پوچ بودن ادعاهای خویش پی برده‌اند و برای آنکه پیش از این استهزای جهانیان را برنیاکنند، قصد دارند "محاکمه* آنکارا" را بنوعی شامل مرورزمان کنند و بدست فراموشی سپارند. بگفته* یکی از وکیلان مدافع دو رهبر کمونیست، هستند موارد مشابهی، که تا کنون بیش از ۹ سال "کش" داده شده‌اند.

بدیهی است، که اعتراض وسیع افکار عمومی جهان در این زمینه بی‌تاثیر نبوده است. دادستان، کوتلو و سارکین را به "فعالیت مخفی کمونیستی" متهم می‌کند. در صورتیکه همه می‌دانند، این دو در نوامبر ۱۹۸۷ داوطلبانه به ترکیه بازگشتند، تا با توجه به ادعاهای رژیم "آنکارا" مبنی بر استقرار دمکراسی در کشور، شرایط فعالیت علنی "حزب کمونیست متحد ترکیه" را فراهم آورند. آنها حتی یک لحظه هم فرصت نیافتند، تا به "فعالیت مخفی کمونیستی" دست زنند، چه هنوز پایشان را از یله* هواپیما پایشین نگذاشته دستگیر شدند.

باید پرسید: این بازی مسخره تا کی ادامه خواهد یافت؟

اطلاعیه مطبوعاتی

"فدراسیون سندیکائی جهانی"

"جنگ ایران و عراق در خلیج فارس قربانیان بی‌گناه دیگری را بکام مرگ فروبرد. روز سوم ژوئیه، با سرنگونی یک هواپیمای مسافربری ایرانی توسط موشکی، که از یک ناو جنگی آمریکا مستقر در منطقه شلیک شد، ۲۰۰ تن جان خود را از دست دادند.

کمکهای مالی رسیده:

جواد از لندن	۲۵۰ پوند
نوید وناهید	۱۵۰ مارک آلمان غربی
تورکی	۲۰ دلار
کمک به "نامه* مردم"	۱۰۰۰ پوند
وحید در دوقره	۱۱۰ دلار

آندزه لاژوانی، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست فرانسه و ریاست گروه پارلمانی این حزب در مجلس ملی فرانسه، در پی سرنگون کردن فاجعه‌بار هواپیمای مسافربری ایران از سوی رزمناو آمریکایی وینسنس، طی اطلاعیه‌ای خواستار شد که نیروهای نظامی کشورهایی که متعلق به منطقه* خلیج فارس نیستند، منطقه را ترک گویند.

لاژوانی، اعلام داشت: "۲۹۰ انسان بیگناه که شار زیادی از آنان زن و کودک بودند، جان خود را از دست دادند. هواپیمای آنها توسط موشکهای آمریکا آگاهانه از زمین رفت. نمایندگان کمونیست مجلس ملی فرانسه تاسف ژرف خود را از وقوع این فاجعه ابراز می‌دارند. فاجعه‌ای که تنهاخشم و نفرت را بر می‌انگیزد. این اقدام تبه‌کارانه باید از سوی جامعه* جهانی محکوم گردد.

این جنایت در چارچوب سیاست توپ و تانک ایالات متحده و همپیمانان غربی اش در منطقه* خلیج فارس صورت می‌گیرد، سیاستی که باعث افزایش تشنج ناشی از حضور نظامی آمریکا است."

"بسیار دشوار است شاهد باشیم که مقامات دولتی فرانسه، علیرغم نظر ما و زیر چتر ایالات متحده در این درگیریهای خونین خود را متعهد ساخته‌اند و به این منطقه نیروهای جنگی گسیل می‌کنند. کمونیستهای خواهان یافتن راه حل سیاسی برای پایان درگیریها هستند و می‌خواهند صلح برقرار شود..."

لاژوانی، همچنین از فرانسه و دیگر دولتهایی که نیروهای نظامی به خلیج فارس گسیل داشته‌اند، می‌خواهد که با احترام به قطعنامه* ۵۹۸ از هرگونه عملی که باعث گسترش تشنج و درگیری می‌شود، خودداری کنند.

مترقی امروزه در بسیاری از کشورهای شبه قاره در پیکار برای آزادی و بهروزی میلیونها انسان هم پیمانان کمونیستهاستند.

کمونیستهای آمریکای جنوبی کوشش‌هایی را، که برای نگهداشت و تحکیم صلح جهانی بعمل می‌آید، می‌ستایند و نابودی موشکهای میان‌برد را بمثابة* نخستین گام بسوی خلیج سلاح هسته‌ای ارزیابی می‌کنند. بنظر آنها، پولی که صرف تسلیحات می‌گردد، باید در راه خدمت به انسان و حل مسائل دشوار اجتماعی، بویژه در جهان سوم، بکار گرفته شود.

شرکت کنندگان سومین دیدار احزاب کمونیست آمریکای جنوبی ایجاد یک "نظام نوین اقتصادی" را خواستار می‌گردند و خاطر نشان می‌سازند، که چنین نظامی باید در خدمت توسعه* اقتصادی و تحکیم حاکمیت راستین کشورها باشد.

احزاب نامبرده تصمیم گرفتند، تا بر تبادل نظر میان خود و تجربه* کارچمی بیاورند.

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است

آدرس پستی:
NAMEH
MARDOM
NO: 220
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden
16 August 1988